

دوشنبه 25 تیر 1397-3 ذی القعدة 1439-16 جولای 2018

پناهندگی محمدعلی شاه قاجار به سفارت روس در پی تصرف تهران توسط مشروطه طلبان (1288ش)



پناهندگی محمدعلی شاه قاجار به سفارت روس در پی تصرف تهران توسط مشروطه طلبان (1288ش) محمدعلی شاه قاجار پس از به دست گرفتن قدرت، همواره از روس‌ها حمایت می‌کرد و آنان نیز به او کمک می‌کردند. در جریان به توپ بستن مجلس نیز، فرمانده قشون ایران را لیاخوف روسی برعهده داشت. از این رو، وقتی که آزادی خواهان تهران را فتح کردند، محمدعلی شاه خود را در برابر آنان ناتوان یافت و برای در امان ماندن از دست مشروطه طلبان، به سفارت روس پناه برد. لیاخوف روسی، فرمانده قزاقان که این موضوع را شنید، به حضور فرماندهان فاتح تهران رسید و شمشیر خود را به عنوان تسلیم، در مقابل آنان بر زمین نهاد. در ساعت چهار بعد از ظهر همان روزی که تهران فتح شد، جلسه مهمی با حضور پانصد تن از نمایندگان مجلس و بزرگان پایتخت و آزادی خواهان معروف در بهارستان منعقد گشت. این مجلس تاریخی که تحت عنوان "مجلس عالی فوق‌العاده" انعقاد یافت، محمدعلی شاه را که به سفارت روس پناه برده بود، از سلطنت مستعفی شناخت و پسر او سلطان احمد میرزا ولیعهد را به سمت شاهنشاهی ایران اعلام کرد. بدین ترتیب دروه اسب‌تداد صغیر که يك سال و بیست و دو روز به طول انجامیده بود به پایان رسید. محمدعلی شاه، مدت 57 روز در سفارت روس پناهنده بود و سرانجام او را به خواری از ایران راندند و از آن پس در بندر اُدسا در کنار دریای سیاه در کشور روسیه مسکن گزید.

استعفای دکتر مصدق از نخست وزیری و انتخاب قوام‌الملک السلطنه به این مقام توسط شاه (1331 ش) دکتر محمد مصدق در روز 25 تیر ماه 1331 ش، با شاه ملاقات کرد و لیست وزیران خود را تسلیم محمدرضا پهلوی نمود. در این دیدار، مصدق از شاه درخواست کرد تا پست وزارت جنگ هم با او باشد. زیرا مدعی بود که نظامیان به حرف او اهمیت نمی‌دهند و در کارها، کارشکنی می‌کنند و با این وضعیت، دولت نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. شاه با واگذاری وزارت جنگ به مصدق موافقت نکرد و مصدق به خانه بازگشت و بدون مشورت با احدی، استعفای خود را برای شاه فرستاد. در نتیجه، شاه، قوام‌الملک السلطنه را به نخست وزیری برگزید و او نیز در اولین روز زمامداری خود با انتشار اعلامیه‌ای، برخورد قاطع دولت با مخالفانش را اعلام نمود. اقدامات قوام که مورد حمایت همه جانبه شاه بود، مردم و علما را به صحنه کشاند و سرانجام این وقایع، زمینه‌ساز حضور گسترده مردم در قیام تاریخی 30 تیر 1331 و بازگشت مصدق به قدرت گردید.

رحلت استاد کبیر "آیت‌الملک سیدمحمد فشارکی" فقیه محقق و عالم امامی (1316 ق) سیدمحمد بن امیر سید قاسم طباطبایی فشارکی اصفهانی، از بزرگان علمای شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری و از شاگردان میرزای شیرازی است. او در همان زمان، مرجع تدریس افاضل بسیاری در سامرا بود. پس از وفات استاد، راهی نجف اشرف گردید و حوزه‌های درس وی نیز در آن سامان برپا شد. میرزای نایینی و حاج شیخ عبدالکریم حائری و دیگر بزرگان از شاگردان ایشان هستند. مراتب علم و فضل آیت‌الله فشارکی به اندازه‌ای است که درکلمات برخی از بزرگان به "استاد کبیر" معروف می‌باشد. علی‌رغم فراهم بودن شرایط لازم جهت به دست گرفتن ریاست علمی و مرجع دینی، به این امور اعتنایی نکرد و تنها به تدریس و تالیف پرداخت. إصالة البرائه، الاغتسال و القروغ المَحْمَدِيَّة از آثار اوست. مدفن این عالم بزرگ در نجف واقع شده است. قتل عام خانواده سلطنتی روس در هنگامه انقلاب بزرگ روسیه (1918م)

نیکلای دوم، آخرین تزار روس و آخرین امپراتور روسیه قبل از انقلاب اکتبر 1917، در سال 1868م به دنیا آمد. وی در سال 1894م در 26 سالگی پس از مرگ پدرش به حکومت رسید و بر اثر بی‌تجربه بودن، زمام امور کشور در اختیار عموهای وی قرار گرفت. با شکست روسیه از ژاپن در سال 1905م فرصت مناسبی برای مردم پیش آمد تا علیه حکومت دیکتاتوری تزاری شورش نمایند. این تظاهرات و اعتصابات به تدریج تمامی کارخانجات و ارگان‌های حکومتی را دربرگرفت و اوج آن، کشتار 22 ژانویه 1905 یا یکشنبه سیاه بود که صدها نفر از معترضان به دست نیروهای تزار کشته شدند. نیکلای دوم برای فرو نشاندن ناآرامی‌ها دستور داد مجلس مشورتی دوما تشکیل شود. اما دوره‌های اول و دوم دوما به دلیل نقشی که در تضعیف تدریجی پایه‌های حکومت تزار ایفا کرد، پس از چند ماه فعالیت منحل شد و اعضای آن به زندان با اعمال شاقه یا به اردوگاه‌های کار اجباری محکوم شدند. لنین که در آن زمان رهبری اکثریت مخالفان را برعهده داشت از کشور گریخت و به سوئیس رفت. از آن سو، جنگ و گریز سیاسی و نظامی میان تزار و مردم روسیه تا سال‌های بعد با قوت و ضعف ادامه داد تا اینکه این شورش‌ها به جنگ جهانی اول در سال 1914م متصل شد و وقوع جنگ، پایه‌های حکومت تزاری را به شدت متزلزل ساخت. به موازات این حوادث، جریان‌های مخالف تزار و در رأس آن بلشویک‌ها به رهبری لنین بر شدت مبارزات خود افزودند و در نتیجه تزار در 15 مارس 1917 با واگذاری قدرت به رئیس مجلس دوما، پس از 23 سال از حکومت کناره‌گیری کرد. پس از چندی، با ورود لنین به مسکو، تزار از قدرت خلع شد و هم‌زمان با روی کار آمدن دولت موقت تزار، از آن پس به مدت

انفجار آزمایشی اولین بمب هسته‌ای؛ ای جهان در صحرای "آلاماگور دو" آمریکا (1945م)

در حالی که دو ماه و نیم از پایان جنگ جهانی دوم در اروپا می‌گذشت، نبردهای سختی بین نیروهای آمریکا و ژاپن در آسیای جنوب شرقی در جریان بود. آمریکایی‌ها پس از تصرف جزیره اوکیناوا، در تدارک حمله به خاک اصلی ژاپن بودند ولی با مشاهده مقاومت شدید ژاپنی‌ها برای حفظ این جزیره، پیش‌بینی می‌کردند که جنگ برای تصرف خاک اصلی ژاپن، تلفات و خسارات بسیار سنگینی به بار خواهد آورد. در همین اوضاع و احوال بود که اولین بمب هسته‌ای آمریکا در شانزدهم ژوئیه 1945م در صحرای آلاماگوردو در ایالت نیومکزیکو آمریکا با موفقیت مورد آزمایش قرار گرفت و از این زمان بود که سران آمریکا به فکر استفاده از این سلاح در جنگ با ژاپن افتادند. هنگام آزمایش نخستین بمب هسته‌ای آمریکا، هاری ترومن، رئیس‌جمهور وقت این کشور در خارج از کشور و در کنفرانس پوتسدام حضور داشت. وقتی که خبر آزمایش موفقیت‌آمیز بمب هسته‌ای را به ترومن اطلاع دادند وی بی‌درنگ دستور داد به تولید اولین سری از این بمب‌ها اقدام شود. استدلال سردمداران آمریکا برای استفاده از بمب هسته‌ای در ژاپن این بود که اگر بمب هسته‌ای در ژاپن مورد استفاده قرار نمی‌گرفت، بیش از ده برابر آنچه در هیروشیما و ناگازاکی کشته شدند، در میدان‌های جنگ جان می‌باختند. با این دلیل، ترومن دستور بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگازاکی را صادر کرد و جان بیش از دویست هزار نفر را در یک لحظه گرفت. ضمن اینکه صدها هزار نفر دیگر نیز، از آثار این بمب‌ها، دچار انواع بیماری‌ها شدند و عوارض آن تا سال‌های اخیر ادامه داشت.

15 ماه تحت نظر قرار گرفت. در این هنگام، لنین که از رشد گروه‌های مخالف بلشویسم در روسیه و احتمال قدرت گرفتن سلطنت‌طلبان و طرفداران تزار بیم‌ناک بود، دستور قتل تزار و خانواده او را صادر کرد. سرانجام دستور قتل‌عام خانواده سلطنتی روسیه در شب 16 ژوئیه 1918م در تبعیدگاه آن‌ها به موقع اجرا گذاشته شد. ماموران اجرای حکم لنین به قدری در اجرای این دستور عجله داشتند که فرصت تشخیص هویت و جدا کردن اعضای خانواده سلطنتی را از همراهان و خدمه آن‌ها پیدا نکردند و علاوه بر تزار و خانواده‌اش، پزشک و خدمتکاران آن‌ها را نیز به رگبار گلوله بستند.